

سبزوار

نام استان:	خراسان	نام قدیم:	بیهق
طول جغرافیائی:	۵۷ درجه و ۴۳ دقیقه	عرض جغرافیائی:	۳۶ درجه و ۱۲ دقیقه
ارتفاع از سطح دریا:	۹۶۰ متر	وسعت:	۱۹۶۵۱ کیلومتر مربع
فاصله تا نزدیکترین نقطه: مشهد ۲۵۳ کیلومتر			
وجه تسمیه:			

- ۱- بیهق معرب بیهه است که بمعنی بهین و بهتر است زیرا بهترین بخشهای نیشابور مرکز استان خراسان بشمار می‌رفته است.
- ۲- سبزوار بمعنی شهر سبز است. این کلمه مرکب از دو جزء سبز و وار می‌باشد که شاید بمناسبت باغهای زیادی که دارد چنین نامیده شده است.
- ۳- بیهق در زبان فارسی به معنی بسیار بخشنده است.

سبلان

نام استان: اردبیل
وجه تسمیه:

- ۱- نام محلی آن ساوالان است که از دو جزء سو و الان تشکیل می‌گردد که به معنی دارای آب است که بمرور زمان به سبلان تغییر نام داده است.

سپیدان

نام استان:	فارس	نام قدیم:	بیضاء
طول جغرافیائی:	۵۱ درجه و ۵۸ دقیقه	عرض جغرافیائی:	۳۰ درجه و ۲۱ دقیقه
ارتفاع از سطح دریا:	۲۲۲۵ متر	فاصله تا نزدیکترین نقطه:	شیراز ۱۰۰ کیلومتر
وسعت:	۳۳۴۹ کیلومتر مربع		

- ۱- بیضاء از ابیض به معنی سفید مشتق شده است و علت را سفید بودن خاک آن ذکر کرده‌اند.
- ۲- در زمان ورود سپاهیان اسلام به منطقه به علت اینکه دیوارهای قلعه برنگ سفید بوده است به آن بیضاء لقب داده‌اند.
- ۳- سپیدان کلمه‌ای است که تعبیر فارسی بیضاء می‌باشد.

سراوان

نام استان:	سیستان و بلوچستان	نام قدیم:	شستون
طول جغرافیایی:	۶۲ درجه و ۳۵ دقیقه	عرض جغرافیایی:	۲۷ درجه و ۲۴ دقیقه
ارتفاع از سطح دریا:	۱۱۶۵ متر	فاصله تا نزدیکترین نقطه:	زاهدان ۲۵۲ کیلومتر
وسعت:	۲۵۴۶۴ کیلومتر مربع		
وجه تسمیه:			

۱- اصل کلمه سراوان است به معنی منطقه آب خیز و یا دارای آب فراوان. در سال ۱۳۰۵ هجری شمسی شستون به این نام معروف شده است.

سراب

نام استان:	آذربایجان شرقی	وسعت:	۳۷۷۲ کیلومتر مربع
طول جغرافیایی:	۴۷ درجه و ۳۴ دقیقه	عرض جغرافیایی:	۳۷ درجه و ۵۷ دقیقه
ارتفاع از سطح دریا:	۱۶۸۰ متر	فاصله تا نزدیکترین نقطه:	تبریز ۱۲۹ کیلومتر
وجه تسمیه:			

۱- سراب به معنی سرا و یاسراه است که به معنی سرآب می باشد و به مرور به سراب تغییر شکل داده است.

سرپل ذهاب

نام استان:	کرمانشاه	نام قدیم:	کاله
وجه تسمیه:			

۱- از دو بخش سرپل + ذهاب تشکیل میگردد بعلت نزدیکی این شهر به رودخانه زاب به این نام معروف شده است.

سرخ دم

نام استان: لرستان

وجه تسمیه:

۱ - به علت اینکه خاک آن سرخ و قرمز است به آن سرخ دم می‌گویند.

سردشت

نام استان: آذربایجان شرقی

وسعت:

۱۵۱۶ کیلومتر مربع

طول جغرافیائی: ۴۵ درجه و ۳۲ دقیقه

عرض جغرافیائی:

۳۶ درجه و ۹ دقیقه

ارتفاع از سطح دریا: ۱۵۰۰ متر

فاصله تا نزدیکترین نقطه:

اورمیه ۲۵۸ کیلومتر

وجه تسمیه:

۱ - کلمه سردشت تغییر یافته نام زرتشت است و اهالی کردستان بر این اعتقاد هستند که این شهر محل تولد

زرتشت بوده است.

سرعین

نام استان: اردبیل

فاصله تا نزدیکترین نقطه: اردبیل ۳۵ کیلومتر

وجه تسمیه:

۱ - سرعین به معنی سرچشمه است و چون دارای آب‌های معدنی فراوانی بوده لذا بدین نام خوانده شده

است.

سروستان

نام استان: فارس

فاصله تا نزدیکترین نقطه: شیراز ۸۰ کیلومتر

وجه تسمیه:

۱ - بعلت داشتن سروهای بسیار زیاد به این نام منسوب شده است.

سقز

نام استان: کردستان
 طول جغرافیائی: ۴۶ درجه و ۱۷ دقیقه
 عرض جغرافیائی: ۳۶ درجه و ۱۴ دقیقه
 ارتفاع از سطح دریا: ۱۵۰۰ متر
 وسعت: ۸/۸ کیلومتر مربع
 فاصله تانزدیکترین نقطه: سنندج ۱۹۸ کیلومتر
 وجه تسمیه:

- ۱- سه دختر این محل را ساخته‌اند که به ترکی دختر قر می‌شود و در واقع سه قر بوده است که سپس سقز شده است.
- ۲- قوم سکاها به این منطقه آمده و به تجدید بنای این محل پرداختند و به آن نام اسکیت و سپس ساکر دادند و بعد از تحریف سقز گردید.
- ۳- سقز به صمغی است معطر که از درخت بنه می‌گیرند و بعلت رواج این درخت در منطقه بدین نام خوانده شده است.
- ۴- پس از حمله سارگن دوم پادشاه آشور و شکست مادیها در این شهر سکاها ساکن شده و لذا پایتخت خود را به نام ساکر انتخاب کردند اسم سگه - سگز و سقز نیز از ساکر آن زمان مانده است.

سلطانیه

نام استان: زنجان
 طول جغرافیائی: ۴۸ درجه و ۴۷ دقیقه
 عرض جغرافیائی: ۳۶ درجه و ۲۶ دقیقه
 ارتفاع از سطح دریا: ۱۷۸۵ متر
 فاصله تانزدیکترین نقطه: زنجان ۳۰ کیلومتر
 وجه تسمیه:

- ۱- منسوب به سلطان محمد خداپنده آبادگر منطقه نام داده‌اند.
- ۲- به این دشت قبلاً قنقواولانگک به معنی شکارگاه شاهین یا چمنزار شاهین می‌گفتند که حکایت از مکانی است جهت گذراندن شکار و ایام تابستان که مورد استفاده سلاطین مغول بوده است.

سلماس

نام استان:	آذربایجان غربی	نام قدیم:	زراوند
طول جغرافیائی:	۴۴ درجه و ۴۶ دقیقه	عرض جغرافیائی:	۳۸ درجه و ۱۱ دقیقه
ارتفاع از سطح دریای آزاد:	۱۳۵۰ متر	وسعت:	۲۸۹۲ کیلومتر مربع
فاصله تا نزدیکترین نقطه:	اورمیه ۹۰ کیلومتر		
وجه تسمیه:			

۱ - بعثت وجود مراتع و زمینهای کشاورزی به آن زراوند یعنی ظرف زر و یا منطقه طلایی لقب داده‌اند.

سلیمانیه

نام استان: تهران

وجه تسمیه:

۱ - بعثت مورد توجه حکام درگذشته به اصفهانک معروف بوده است.

۲ - در سال ۱۳۰۰ عضدالملک به عمران و آبادانی اصفهانک همت گماشت و سپس به نام پسر خود

سلیمان خان آنجا را سلیمانیه نام نهاد

۳ - سلیمانیه از مناطق اطراف تهران است.

سمنان

نام استان: سمنان وسعت: ۱۹۹۹۱ کیلومتر مربع
 طول جغرافیائی: ۵۳ درجه و ۲۳ دقیقه عرض جغرافیائی: ۳۵ درجه و ۳۳ دقیقه
 ارتفاع از سطح دریای آزاد: ۱۱۳۸ متر فاصله تانزدیکترین نقطه: تهران ۲۲۸ کیلومتر
 وجه تسمیه:

- ۱- سمنان در اصل سم نان بوده و مشهور است که در زمانی نان شهر به سم آلوده گشته بوده است.
- ۲- زمانی که حضرت رضا (ع) به خراسان میرفته‌اند مردم این شهر برای هر یک از همراهان آن حضرت سه من نان پخته‌اند و بدین ترتیب سه من نان در اثر کثرت استعمال مبدل به سمنان گشت است.
- ۳- سمنان توسط دو تن از پیامبران بنام سیم‌النبی و لام‌النبی فرزندان حضرت نوح (ع) ساخته شده که بعدها به نام سیم‌لام نامیده شد و بر اثر مرور زمان و کثرت استعمال به سمنان تغییر یافته است.
- ۴- می‌گویند ابتدا مردم این شهر قبل از ظهور زرتشت سمنی مذهب بودند و چون مردم این مذهب به مادیات بی‌علاقه بوده و با توجه به اینکه در زبان سمنانی مردم سمنان را سمنی نامیده‌اند لذا بهمین علت سمنان به دیار وارستگان تشبیه گردیده است.
- ۵- سمنان را سمنینا گفته‌اند و بنای آنرا به طهمورث دیوبند داده‌اند و در اثر مرور زمان و کثرت استعمال به سمنان تغییر یافته است.
- ۶- سمنان از کلمه سمن به معنی روغن مشتق شده است زیرا مردم این منطقه گلگه‌دار بوده لذا محصولات دامی و بخصوص روغن در این منطقه تولید می‌شده است لذا منسوب به سمن این محل را سمنان گفته‌اند.
- ۷- سمنان را در ابتدا سکستان یعنی شهر سکاها گفته‌اند که سکستان بعدها سکنان و سپس سمنان شده است.

سمیرم

نام استان:	اصفهان	وسعت:	۵۲۹۰ کیلومتر مربع
طول جغرافیائی:	۵۱ درجه و ۳۴ دقیقه	عرض جغرافیائی:	۳۱ درجه و ۲۵ دقیقه
ارتفاع از سطح دریا:	۲۴۶۰ متر	فاصله تا نزدیکترین نقطه:	اصفهان ۱۶۲ کیلومتر

وجه تسمیه:

- ۱- چون دارای آب و هوای سرد میباشد لذا نام آنرا سمیرم نهادند زیرا سم بمعنای سرد است و سمیرم بمعنای جای سرد است.
- ۲- بانی آن ناحیه سام بن ارم بوده و سام ارم نام آنجاست و به کثرت استعمال سمیرم شده است.
- ۳- نام ابتدایی آن زمیران به معنای سرد است و جای سرد که بمرور به سمیران و سمیرام و سمیرم تبدیل شده است.
- ۴- بنای شهر را به سمیرامیس ملکه مصر نسبت می دهند لذا به نام وی سمیرام خواندند.
- ۵- بنای شهر را به سام پدر رستم نسبت می دهند.

سنگسر

نام استان: سمنان
فاصله تا نزدیکترین شهر: سمنان ۳۰ کیلومتر
وجه تسمیه:

- ۱- مهدی شهر از نام آخرین امام غایب شیعیان گرفته شده است و پس از پیروزی انقلاب اسلامی به این نام منسوب شده است.
- ۲- چون در اطراف این محل کوههای سنگی و سخت وجود داشته آنرا سنگسار نامیده اند که به تخفیف سنگسر شده است.
- ۳- در آغاز اسلام این نام را سنگسر بر زبان می رانده اند چه سنگسر و این آبادی از نشیمن های سگان بوده است بنابر این سنگسر تحریف شده سگسر می باشد.
- ۴- این مکان را یکی از مراکز تجمع سکائیان یا قوم کاسی می دانند لذا به آن سگستان و سپس سگسان و سگسر گفته اند.
- ۵- سنگسر به معنی زمین سنگلاخ است و سنگسار نیز می باشد.

سنندج

نام استان:	کردستان	وسعت:	۷۵۷۱ کیلومتر مربع
طول جغرافیائی:	۴۷ درجه	عرض جغرافیائی:	۳۵ درجه و ۱۹ دقیقه
ارتفاع از سطح دریا:	۱۳۷۲	فاصله تا نزدیکترین نقطه:	تهران ۵۱۲ کیلومتر
وجه تسمیه:			

۱- بعلت قرار گرفتن در دامنه کوه آنرا به کردی سنه گفتند و چون قلعه معتبر و مهمی که از لحاظ نظامی در زمان قدیم دارای اهمیت بسزائی بوده داشته است به سندهژ معروف شده و کم کم با تحریف نام سنندج بخود گرفته است.

۲- احداث این شهر را به سال ۱۴۰۶ هجری قمری در زمان سلطنت شاه صفی می دانند.

۳- مرکز حکومت سنندج قبلاً در قلعه حسن آباد بوده است.

سوادکوه

نام استان:	مازندران	وسعت:	۲۴۴۱ کیلومتر مربع
طول جغرافیائی:	۵۳ درجه و ۳ دقیقه	عرض جغرافیائی:	۳۶ درجه و ۷ دقیقه
ارتفاع از سطح دریا:	۵۵۰ متر	فاصله تا نزدیکترین نقطه:	ساری ۷۰ کیلومتر
وجه تسمیه:			

۱- در زمان ساسانیان یکی از منصب‌های عالی دربار پدشخوارگر بوده پدش بمعنای پیش است و خوار از خوردن است و کسی بوده که در حضور شاه و قبل از او خوراک را می خورد و میچشید تا از آلوده به سم نبودن آن اطمینان حاصل کند و ناحیه که حکمرانی آنرا به چنین کسی میدادند آن ناحیه نیز پدشخوارگر نامیده می شد. سوادکوه امروزی نیز قبلاً پدشخوارگر نامداشت و بعد به ترتیب بدشوارگر و حکمران آن بدشوارگر شاه بوده و نام کوهستان آنرا نیز پدشخوار کوه گذاشته اند و سپس اندک اندک فرشواد کوه و بدشوارکوه شده و کلمه فراز ابتدای این کلمه افتاده شواتکوه و سپس سواته کوه و بالاخره سواد کوه شده است.

۲- سواد سیاهی شهر است از دور و چون در پای کوه شهر بنا شده بود و از دور بنظر سیاهی شهر در پای کوه بوده است به آن سوادکوه گفته اند.

۳- سواد کوه نام خود را از کوه سوات که در منطقه می باشد گرفته شده است.

سوسنگرد

نام استان: خوزستان
 نام قدیم: دشت میشان - نهر تیری
 طول جغرافیایی: ۴۸ درجه و ۱۰ دقیقه
 عرض جغرافیایی: ۳۱ درجه و ۳۳ دقیقه
 ارتفاع از سطح دریا: ۱۰ متر
 فاصله تا نزدیکترین نقطه: اهواز ۶۳ کیلومتر
 وسعت: ۵۸۴۴ کیلومتر مربع
 وجه تسمیه:

- ۱ - سوسنگرد یا شهر سوسن خود بازمانده نامی ایلامی است که با توجه به کلمه سوسن که مظهر پرستش آناهیتا بوده یادآور دوران پرستش ناهید به روزگار ایلامی و پیش از آن در این سرزمین است و احتمالاً جای یکی از پرستشگاههای ناهید بوده است.
- ۲ - از مناطقی است که به دوران مهرپرستی نسبت داده می‌شود چون کلمه سوسن و یا گل سوسن به نام مادر هستی یعنی آناهیتا می‌باشد. منظور از شهری است که پرستش آناهیتا در آن انجام می‌شده است.
- ۳ - نهر تیری به علت تیره بودن آب رودخانه کرخه نامگذاری شده است.

سولقان

نام استان: تهران
 فاصله تا نزدیکترین نقطه: تهران ۲۵ کیلومتر
 وجه تسمیه:

- ۱ - الف و نون در آخر کلمه پسوند مکان و نسبت است باقی کلمه سلوق است و حرف قاف آخر آن نیز بر طبق قاعده تعریف کاف به قاف تبدیل شده است پس اصل کلمه سلوک بوده است و سلوکان نام فارسی کلمه یعنی منسوب به سلوک می‌باشد چنین بنظر می‌رسد که سلوک احتمالاً همان سلوکوس اول معروف به نیکاتر است و از جانشینان اسکندر می‌باشد.
- ۲ - در تواریخ آمده است که سلوکوس در نزدیکی ری شهری ایجاد کرده است که به نام خود سلوکیه گذاشته است.

سیاهکل

نام استان: گیلان

فاصله تا نزدیکترین نقطه: لاهیجان ۲۰ کیلومتر

وجه تسمیه:

- ۱- در اصل سیاه کلاه بوده و گویند در زمان سلطنت شاپور ذوالاکتاف سواران دیلمی برای جنگ با سپاهیان رومی حاضر گشته و به علت شجاعت دیلمیان و اسیر نمودن امپراطور از شاپور ذوالاکتاف توقع زیادی کردند و وی نیز از ادای آن حقوق کوتاهی کرده از این جهت سیاه کلاه نام رئیس آن لشکر بوده بالاخره پس از جنگهای زیاد دیلمان را فتح و محل مذکور بنام وی گردید و کم کم سیاه کلاه تبدیل به سیاهکل شد.
- ۲- سیاهکل از دو بخش سیاه + کل تشکیل می گردد و حکایت از تیرگی منطقه و این جایگاه دارد و علت را وجود درختان فراوان و جنگلهای انبوه در منطقه بخصوص ارتفاعات و کوههای آن که بنظر سیاه می رسد لذا به آن سیاهکل می گویند.

سیرجان

نام استان:

کرمان

وسعت:

۱۷۷۹۱ کیلومتر مربع

طول جغرافیایی:

۵۵ درجه و ۴۰ دقیقه

عرض جغرافیایی:

۲۹ درجه و ۲۷ دقیقه

ارتفاع از سطح دریا: ۱۷۳۵ متر

فاصله تا نزدیکترین نقطه:

کرمان ۱۸۱ کیلومتر

وجه تسمیه:

- ۱- به علت داشتن قناتهای زیاد و از لحاظ وجود معدن و کاریز که در گذشته داشته و چاهها و قنات که به حد وفور هنوز نمایان است آنرا سیرکان نامیدند و سپس اعراب آنرا معرب کرده و سیرجان نامیدند.
- ۲- سیرجان را معرب سیرگان می دانند و بنا را از بناهای اردشیر مدانند و می گویند سیرگان به معنی مکان اردشیر است.
- ۳- سیرجان از بناهای بهمن پادشاه اشکانی است.

سیستان

نام استان: سیستان و بلوچستان

وسعت: ۱۸۱۴۷۰ کیلومتر مربع

وجه تسمیه:

- ۱ - سیستان تغییر یافته نام سکستان است. سیستان را محل زندگی سکاها می‌دانند.
- ۲ - این محل را سجستان نیز گفته‌اند و علت را وجود قبیله‌ای به همین نام می‌دانند
- ۳ - روی ضحاک که در باده‌گساری افراط کرده بود امر داد که شبستان را نزد او گرد آوردند گرشاسب بر آشت و گفت اینجا شبستان ندارد بلکه ضحاک باید بداند این سرزمین را سیورستان (سرزمین مردان) می‌نامند و لغت سیورستان از کثرت استعمال به سیستان تبدیل شده است.

سی سخت

نام استان: کهگیلویه و بویر احمد

فاصله تا نزدیکترین نقطه: یاسوج ۳ کیلومتر

وجه تسمیه:

- ۱ - گفته‌اند که چون سی مرد سخت جان از گردنهٔ پربرف دنا در زمستان گذشته و سپس در این منطقه ساکن شده‌اند آنرا سی سخت نامیده‌اند.
- ۲ - سی سخت نام رودی است که از کوه‌های آن منطقه سرچشمه میگیرد و در آن منطقه جاری می‌باشد.
- ۳ - سی سخت بمعنی سنگ سخت و سنگستان است و سی در زبانهای ایرانی بمعنی سنگ است.
- ۴ - در اصل سیم سخت بوده یعنی تختی از نقره که مراد از آن برفهای دائمی دنا بوده است.

سی سنگان

نام استان: مازنداران

فاصله تا نزدیکترین نقطه: نوشهر ۲۷ کیلومتر

وجه تسمیه:

- ۱ - می‌گویند زمانی که منوچهر در مقابل افراسیاب مجبور به عقب‌نشینی شده است در جلگهٔ کججور منوچهر برای راه دادن رودخانه و عبور سربازان از جلگه سنگهای جلو رودخانه را برکند لذا به این منطقه سی سنگان لقب داده‌اند.

شادگان

نام استان:	خوزستان	نام قدیم:	دورق
طول جغرافیایی:	۴۸ درجه و ۴۰ دقیقه	عرض جغرافیایی:	۳۰ درجه و ۳۹ دقیقه
ارتفاع از سطح دریا:	۵ متر	فاصله تا نزدیکترین نقطه:	اهواز ۹۱ کیلومتر
وسعت:	۲۶۹۸ کیلومتر مربع		
وجه تسمیه:			

۱- دورق معرب سورگ و سورک است که خود کلمه تغییر یافته کلمه سولوک شهر سلوکی است که توسط سولوکوس ساخته شده که ابتدا به سورک و سپس دورگ و آنگاه دورق تبدیل گشته است.

شازند

نام استان:	مرکزی	نام قدیم:	سربند - ادریس آباد
طول جغرافیایی:	۴۹ درجه و ۲۵ دقیقه	عرض جغرافیایی:	۳۳ درجه و ۵۶ دقیقه
ارتفاع از سطح دریا:	۱۹۲۰ متر	فاصله تا نزدیکترین نقطه:	اراک ۳۳ کیلومتر
وسعت:	۳۰۵۰ کیلومتر مربع		
وجه تسمیه:			

۱- با احداث ایستگاه راه آهن که نام کوه نزدیک آنجا را به ایستگاه دادند و شازند نامیده شد ادریس آباد نیز به شازند تغییر داده شده است.

شمیران

نام استان:	تهران	وسعت:	۱۸۵۳ کیلومتر مربع
طول جغرافیایی:	۵۱ درجه و ۲۶ دقیقه	عرض جغرافیایی:	۳۵ درجه و ۴۹ دقیقه
ارتفاع از سطح دریا:	۱۵۰۰ متر		
وجه تسمیه:			

۱- شمی به معنی سرد و ران که در واقع لان بوده گاهی به معنای جا و مکان بکار رفته است و شمیران به معنی سردستان است.

شاهرود

شجره	نام قدیم:	سمنان	نام استان:
۳۶ درجه و ۲۵ دقیقه	عرض جغرافیایی:	۵۴ درجه و ۵۸ دقیقه	طول جغرافیایی:
سمنان ۱۷۶ کیلومتر	فاصله تا نزدیکترین نقطه:	۱۳۶۶ متر	ارتفاع از سطح دریا:
		سمنان ۱۷۶ کیلومتر	وسعت:
			وجه تسمیه:

- ۱ - به مناسبت وجود رودشاه که از کوههای اطراف سرچشمه می‌گیرد و در موقع سیلاب دارای آب بوده است لذا شهرکنار آنرا شاهرود گفته‌اند.
- ۲ - از بناهای محمد صالح خان در زمان فتحعلیشاه قاجار می‌باشد و نام خود را از رودخانه نزدیک خویش گرفته است.

شبستر

ارتفاع از سطح دریا: ۱۴۰۰ متر	آذربایجان شرقی	نام استان:
۳۸ درجه و ۱۱ دقیقه	۴۵ درجه و ۴۱ دقیقه	طول جغرافیایی:
	تبریز ۶۷ کیلومتر	فاصله تا نزدیکترین نقطه:
		وجه تسمیه:

- ۱ - ابتدا شاه بستر بوده است که به مرور زمان به شبستر تغییر نام داده است. علت نامگذاری به شاه‌بستر را می‌گویند بخاطر اقامت پادشاهان و حکام در این منطقه و شکار نمودن آنان است.
- ۲ - از دو بخش شب و بستر به معنی شب ستاره گرفته شده است بعلت وجود آسمان صاف و پر ستاره منطقه به این نام معروف شده است.
- ۳ - می‌گویند در شمال دریاچه اورمیه رصدخانه‌ای وجود داشته که در این منطقه در هنگام شب ستارگان را رصد می‌نمودند لذا به آن شبستر گفته‌اند.

شورآب

نام استان: خراسان

وجه تسمیه:

- ۱- بعلت شور بودن آب این منطقه به آن شوراب گفته می شود.
- ۲- روستایی بنام شورکاب نیز وجود دارد. در متون بصورت شورک آب درج شده است و می گویند بمناسبت آنکه اندکی آب آن شور است به این نام خوانده می شود.

شوش

نام استان:

خوزستان

ارتفاع از سطح دریا: ۷۱ متر

طول جغرافیایی:

۴۸ درجه و ۱۵ دقیقه

عرض جغرافیایی: ۳۲ درجه و ۱۲ دقیقه

فاصله تا نزدیکترین نقطه: دزفول ۴۵ کیلومتر

وجه تسمیه:

- ۱- شوش به لغت قدیم به معنی خوب می باشد بنای این شهر را به هوشنگ پیشدادی نسبت می دهند. می گویند در گذشته دور اهالی منطقه در کپر زندگی می کردند و بعلت اینکه بدستور هوشنگ خانه سازی انجام گرفت به آن شوش یعنی خوب گفته اند.
- ۲- شوش به معنی شاخه های درخت انگور است و بعلت وجود تاکستان در زمان قدیم در این حدود به این نام خوانده شده است.
- ۳- شوش نام خدای بزرگ عیلامیان است لذا به مناسبت اینکه در این منطقه معبدی برای او احداث کرده بودند به نام او نامگذاری شده است.
- ۴- بنای این شهر را به شوش بن سام بن نوح نسبت می دهند لذا منسوب به وی شوش نامیدند.
- ۵- بنای شوش را به سوسن پدر ممنون نسبت داده اند.

شوشتر

نام استان: خوزستان
 وسعت: ۳۵۳۸ کیلومتر مربع
 طول جغرافیایی: ۴۸ درجه و ۵۱ دقیقه
 عرض جغرافیایی: ۳۲ درجه و ۳ دقیقه
 ارتفاع از سطح دریا: ۴۳ متر
 فاصله تا نزدیکترین نقطه: اهواز ۹۲ کیلومتر
 وجه تسمیه:

- ۱ - شوش به معنی خوب و شوشتر به معنی خوبتر است.
- ۲ - نام اصلی شهر شش در بوده است که در واقع منظور شش دروازه است و سپس به شستر و آنگاه به شوشتر تغییر نام داده است.
- ۳ - می‌گویند اصل آن شاه شاتر بوده است که بمعنای شهر شاه بوده است.
- ۴ - روزی هوشنگ پادشاه ایران با جمعی از بزرگان به قصد تفریح و شکار از شوش خارج می‌شود و در کنار رودخانه کارون به راه می‌افتد پس از طی مسافتی صحرای سبز و خرمی توجه وی را جلب می‌نماید و در آن محل توقف کرده و به‌مراهان خود می‌گوید اینجا شوشتر از شوش است شوش به معنی خوب و شوشتر به معنی خوبتر و دستور داد در همان مکان شهر با شکوهی بنا کنند.

شهر بابک

نام استان: کرمان
 وسعت: ۹۷۶۱ کیلومتر مربع
 طول جغرافیایی: ۵۵ درجه و ۹ دقیقه
 عرض جغرافیایی: ۳۰ درجه و ۸ دقیقه
 ارتفاع از سطح دریا: ۱۸۴۵ متر
 فاصله تا نزدیکترین نقطه: کرمان ۲۴۷ کیلومتر
 وجه تسمیه:

- ۱ - بنای این شهر را بابک پدر اردشیر بابکان مؤسس سلسله ساسانی منسوب می‌دانند لذا به نام وی شهر بابک نامیدند.

شهرضا

نام استان:	اصفهان	نام قدیم:	قمشه
طول جغرافیایی:	۵۱ درجه و ۵۲ دقیقه	عرض جغرافیایی:	۳۲ درجه و ۱ دقیقه
ارتفاع از سطح دریا:	۱۸۲۵ متر	فاصله تا نزدیکترین نقطه:	اصفهان ۸۲ کیلومتر
وسعت:	۳۸۸۳ کیلومتر مربع		
وجه تسمیه:			

- ۱ - بنای شهر را به اقوام و طایفه قلغ شاه نسبت می‌دهند و چون این شهر را اقوام شاه ساخته بودند به همین جهت بنام قوم شاه نامیده شد که به تخفیف و بر اثر مرور زمان مبدل به قمشه گردید.
- ۲ - به علت وجود آستان مبارک شاه رضا در شمال شهر به این شهر شهرضا «۱۳۱۴» نام داده‌اند.
- ۳ - کلمه قمشه به معنی مکان پرقات است و دلیل نیز این است که مزارع امروزه نیز توسط قنات مشروب می‌شود.
- ۴ - قمشه تغییر یافته کمشه یا کومه‌شه بوده است کومه به معنی خانه‌ای است از چوب و علف و چون شاهان در این منطقه اطراق کرده به آن کومه‌شه و سپس قم‌شه گفته‌اند.

شهرکرد

نام استان:	چهار محال بختیاری	نام قدیم:	ده کرد
طول جغرافیایی:	۵۰ درجه و ۵۱ دقیقه	عرض جغرافیایی:	۳۲ درجه و ۱۹ دقیقه
ارتفاع از سطح دریا:	۲۰۶۰ متر	فاصله تا نزدیکترین نقطه:	تهران ۵۵۵ کیلومتر
وسعت:	۳۲۰۳ کیلومتر مربع		
وجه تسمیه:			

- ۱ - چون طوایف کرد در اینجا زندگی می‌کردند ابتدا به ده کرد و سپس با گسترش آن به شهرکرد نامیده شده است.
- ۲ - ساختمان‌های برای پاسگاه جهت تأمین راه و رفع سایر احتیاجات مسافران در این مکان ساخته شده و چون پاسداران دائمی این پاسگاه را کردها تشکیل می‌داده‌اند و در اطراف آن خانواده‌های آنان تجمع کردند به ده کرد موسوم و بعداً به شهرکرد تغییر نام داده است.

شیراز

نام استان: فارس
 طول جغرافیایی: ۵۲ درجه و ۳۳ دقیقه
 عرض جغرافیایی: ۲۹ درجه و ۳۶ دقیقه
 ارتفاع از سطح دریا: ۱۵۴۰ متر
 فاصله تا نزدیکترین نقطه: تهران ۸۹۵ کیلومتر
 وسعت: ۱۰۱۳۵ کیلومتر مربع
 وجه تسمیه:

- ۱- شیراز از فرزندان طهمورث دیوبند است که بعلت نام بانی این شهر به نام وی منسوب گردیده است.
- ۲- چون در نزدیک این شهر چراگاههای زیادی بوده و حیوانات شیرده بسیاری داشته از این جهت نام آن را شیراز گفته اند.
- ۳- شیراز از کلمه شیر تشکیل یافته که بعلت نزدیکی به دشت ارژن و داشتن بیشه شیر به این نام خوانده شده است.
- ۴- نام شهر را «شیرازی» که نامی است فارسی می دانند که محل استقرار کارگران تخت جمشید بوده است.
- ۵- می گویند شیراز یعنی شبیه اندرون شیر زیرا از همه نواحی به آنجا خواربار حمل می گردد و از شیراز چیزی به جایی حمل نمی شده است.
- ۶- شیراز در کلمه، گیاهی است که آنرا ریز کرده و با ماست مخلوط کنند و قدری شیر بر آن می ریزند و در مشک یا ظرفی ریخته و چند روزی بگذارند تا ترش گردد و بعد از آن با نان بخورند و بعلت اینکه غذای فوق جزء غذاهای مردم این منطقه بوده به این نام خوانده اند.
- ۷- شیراز را شیر ماست شده آب گرفته می گویند که از غذاهای اصلی چوپانان یعنی ساکنان این دشت بوده است.

شیرکوه

نام استان: تهران

وجه تسمیه:

- ۱- به علت برفگیر بودن قله و پوشیده شدن آن توسط برف که برنگ شیر است به آن شیرکوه می گویند.
- ۲- می گویند قله شبیه شیردرنده ای است که سر بر دست نهاده و خفته است.
- ۳- بعلت صعب العبور بودن و سخت بودن گذشتن از آن به آن شیرکوه لقب داده اند.

صالح آباد

نام استان: ایلام
 فاصله تا نزدیکترین نقطه: مهران ۵۳ کیلومتر
 ارتفاع از سطح دریا: ۵۸۴ متر
 وجه تسمیه:

- ۱- مقبره امامزاده خاصعلی معروف به صالح از خانواده امام چهارم در این بخش قرار دارد لذا منسوب به وی آنرا صالح آباد می نامند.
- ۲- مقبره امامزاده علی صالح در این بخش قرار دارد لذا منسوب به وی آنرا صالح آباد نام اده اند.

صحنه

نام استان: کرمانشاه
 فاصله تا نزدیکترین نقطه: کرمانشاه ۶۴ کیلومتر
 وجه تسمیه:

- ۱- معنی کلمه به رنگ چهره و لطافت آن می گویند و بعلت آبادی و خوش آب و هوا بودن منطقه به این نام معروف شده است.
- ۲- صحنه را تغییر یافته نام صدخانیه و سی سر می دانند که تبدیل به سی خانه شده و سپس به صورت سی خانه و سی صحنه و صحنه شده است. صدخانیه به معنی صدچشمه است.

صومعه سرا

نام استان: گیلان
 طول جغرافیایی: ۴۹ درجه و ۱۹ دقیقه
 عرض جغرافیایی: ۳۷ درجه و ۱۷ دقیقه
 ارتفاع از سطح دریا: ۶- متر
 فاصله تا نزدیکترین نقطه: رشت ۲۵ کیلومتر
 وسعت:
 وجه تسمیه:

- ۱- از دو بخش صومعه به معنی دیر و سرا به معنی خانه می باشد و می گویند این نقطه از مراکز مذهبی و رهبانیت در منطقه گیلان بوده است.

طاق بستان

نام استان: کرمانشاه
فاصله تا نزدیکترین نقطه: کرمانشاه ۵ کیلومتر
وجه تسمیه:

۱- به علت وجود سرآب «چشمه» و درختان بسیار به بستان و وجود دو طاق بزرگ و کوچک به طاق بستان معروف گشته است.

طبس

نام استان: خراسان
طول جغرافیایی: ۵۶ درجه و ۵۵ دقیقه
عرض جغرافیایی: ۳۳ درجه و ۳۶ دقیقه
ارتفاع از سطح دریا: ۶۶۰ متر
فاصله تا نزدیکترین نقطه: مشهد ۶۰۲ کیلومتر
وجه تسمیه:

۱- طبس تغییر یافته کلمه طبش می باشد که معنی آن چشمه آبگرم است و علت نامگذاری را وجود آبگرم در منطقه می دانند.

طوق

نام استان: خراسان
فاصله تا نزدیکترین نقطه: مشهد ۲۰ کیلومتر
وجه تسمیه:

۱- بعلت اینکه محل تلاقی راههای مختلف منتهی به مشهد در این منطقه است به این نام خوانده شده است.

طرقبه

نام استان: خراسان
فاصله تا نزدیکترین نقطه: مشهد ۱۸ کیلومتر
وجه تسمیه:

۱- از دو کلمه طرق + به یعنی راههای خوب تشکیل شده است و این به آن علت است که راههای این منطقه از دره های سرسبز و خرم عبور می کرده و از نظر امنیتی نیز جهت تردد مردم مشهد بسیار خوب بوده است.

طسوج

نام استان: آذربایجان شرقی

فاصله تا نزدیکترین نقطه: تبریز ۱۰۶ کیلومتر

وجه تسمیه:

- ۱- طسوج به شهری گفته می شود که دارای دپه‌هایی باشد یا اصطلاحاً دهستان است زیرا استان - رستاق - طسوج از مراحل مختلف مکانهای تجمع بشمار می‌رفته است.
- ۲- طسوج برابر است با طسیگک و این تسیگک و تشیگک یا تش از تقسیمات قبیله است و ایچ و ایگک جای شهر و محل سکونت است و طسوج = تشیگک یعنی جای سکونت تشها که قسمتی از طایفه‌اند.

طوس

نام استان: خراسان

فاصله تا نزدیکترین نقطه: مشهد ۲۵ کیلومتر

وجه تسمیه:

- ۱- بعلت اینکه این شهر را از بناهای طوس پسر نوذر می‌دانند به نام وی طوس نامیده‌اند. می‌گویند طوس در زمان کیکاووس عازم جنگ با تورانیان بود لذا این شهر را اردوگاه خود قرار داده و شهری را احداث نموده است که به نام خود طوس خوانده است.

عزآباد

نام استان: یزد فاصله تا نزدیکترین نقطه: یزد ۲۵ کیلومتر

وجه تسمیه:

۱- به نام بانی آن یعنی عزالدین لنگر که قناتی را نیز در آنجا ساخته است نامگذاری شده است.

عقدار

نام استان: یزد فاصله تا نزدیکترین نقطه: یزد ۲۹۶ کیلومتر

وجه تسمیه:

۱- احداث این شهر را به عقدار از سرهنگان یزدگرد نسبت می دهند لذا به نام بانی آن عقدا نام نهاده اند.

عمارلو

نام استان: گیلان نام قدیم: خرکام

وجه تسمیه:

۱- بعلت کوچ طوائف کرد عمارلو توسط نادر به این نقطه و اسکان این طوائف نام طایفه بر منطقه اطلاق شده و خرکام به عمارلو تغییر نام داده است.

علی آباد

نام استان: مازندران وسعت: ۹۱۲ کیلومتر مربع

طول جغرافیایی: ۵۴ درجه و ۵۲ دقیقه عرض جغرافیایی: ۳۶ درجه و ۵۴ دقیقه

ارتفاع از سطح دریا: ۱۴۰ متر فاصله تا نزدیکترین نقطه: ساری ۱۸۱ کیلومتر

وجه تسمیه:

۱- به علت اسکان خان بزرگ علی محمدخان به علی آباد معروف شده است.

علی صدر

نام استان: همدان

فاصله تا نزدیکترین نقطه: همدان ۷۴ کیلومتر

وجه تسمیه:

۱ - علی صدر تغییر یافته کلمه علی سرد یا اعلی سرد است که به معنی خیلی سرد است.

فرحزاد

نام استان: تهران
نام قدیم: برهزاد
وجه تسمیه:

۱- بعثت قرارگرفتن در کنار رودخانه و دامان کوههای شمیران آنرا فرحزاد یعنی کانون فرح و شادمانی معرفی نموده‌اند.

۲- اصل کلمه همان فرهزاد است و فره در زبان پهلوی به معنی شأن و شوکت و عظمت است فرهزاد به مرور به فرحزاد تبدیل شده است.

فریدون شهر

نام استان: اصفهان
نام قدیم: آخوره
طول جغرافیایی: ۵۰ درجه و ۷ دقیقه
عرض جغرافیایی: ۳۲ درجه و ۵۶ دقیقه
ارتفاع از سطح دریا: ۲۵۳۰ متر
فاصله تا نزدیکترین نقطه: اصفهان ۱۳۹ کیلومتر
وسعت: ۳۱۳۸ کیلومتر مربع
وجه تسمیه:

۱- تغییر یافته نام پرتیکان که به معنی محل با شکوه است و کلمه فریدون نیز به معنی شهر با شکوه و جلال است.

فریمان

نام استان: خراسان
فاصله تا نزدیکترین نقطه: مشهد ۷۵ کیلومتر
طول جغرافیایی: ۵۹ درجه و ۵۱ دقیقه
عرض جغرافیایی: ۳۵ درجه و ۴۲ دقیقه
وجه تسمیه:

۱- از دو کلمه فری + مان تشکیل می‌گردد که فری همان پری است و به معنی پری مانند یا مانند پری است.

۲- واژه‌ای است مرکب از فربا تشدید که ریشه‌ای اوستایی و پهلوی دارد به معنی جلال و شکوه و فری مخفف آفرین از ادات تحسین به معنی ستودن بکار می‌رود مان صیغه امر از فعل ماندن بنابراین فریمان مرکب از دو کلمه فری و مان یعنی با شکوه و جلال بمان معنی می‌دهد.

فسا

نام استان: فارس
 وسعت: ۴۰۲۳ کیلومتر مربع
 طول جغرافیایی: ۵۳ درجه و ۴۱ دقیقه عرض جغرافیایی: ۲۸ درجه و ۵۸ دقیقه
 ارتفاع از سطح دریا: ۱۳۸۲ متر
 فاصله تا نزدیکترین نقطه: شیراز ۱۶۴ کیلومتر
 وجه تسمیه:

- ۱- فسا از فرزندان طهمورث است و نام این محل از نام او گرفته شده است.
- ۲- از الواح گلی تخت جمشید اینگونه بدست آمده است که سپه یا باشیا شهری آباد بوده است نام سپه یا باشیا بتدریج به فسا تبدیل شده و اعراب آنرا بصورت فسامعرب کرده‌اند که در کل به معنی شهر پارس است.
- ۳- در سابق نام آن پارساگرد بوده که به معنی شهر پارسیان بوده است که مخفف شده به پساو سپس بصورت معرب فساگردیده است.

فلک‌الدین

نام استان: لرستان
 وجه تسمیه:

- ۱- در شمالغربی شهر خرم آباد و بر دامنه سفید کوه قرار دارد. مشهور به فلک‌الدین می‌باشد. علت را وجود مقبره‌ای به همین نام که در روستا بوده می‌دانند.

فهلیان

نام استان: فارس
 وجه تسمیه:

- ۱- از کلمه فهلو که معرب پهلو و به معنی پهلوان است گرفته شده است و علت را تباری و توانایی و قدرت بدنی اهالی منطقه می‌دانند.
- ۲- فهله یا پهره - فهره و فهرج از ریشه کهن بمعنی شهرورستاق و آبادی است.

فیروزآباد

نام استان:	فارس	نام قدیم:	گور
طول جغرافیایی:	۵۲ درجه و ۳۶ دقیقه	عرض جغرافیایی:	۲۸ درجه و ۵۲ دقیقه
ارتفاع از سطح دریا:	۱۳۳۰ متر	فاصله تا نزدیکترین نقطه:	شیراز ۱۲۰ کیلومتر
وسعت:	۱۰۷۵۵ کیلومتر مربع		
وجه تسمیه:			

- ۱- به علت وجود نخجیرگاه و شکارگاه شاهی که گور در آن زیاد بود به گور معروف شده بود.
- ۲- گور را تغییر یافته گرد به معنی شهر می دهند.
- ۳- می گویند عضدالدوله دیلمی جهت شکار به این منطقه آمده و چون کلمه گور به معنی قبر بود و عموماً به آن معنی تشبیه می شد و می گفتند که شاه به گور رفته است دستور داد نام آنرا به فیروزآباد تغییر بدهند این کلمه بعدها معرب گشته و به فیروزآباد تغییر نمود.

فیروزکوه

نام استان:	تهران	فاصله تا نزدیکترین نقطه:	تهران ۱۵۰ کیلومتر
طول جغرافیایی:	۵۲ درجه و ۴۶ دقیقه	عرض جغرافیایی:	۳۵ درجه و ۴۵ دقیقه
وجه تسمیه:			

- ۱- بنای شهر را به فیروزشاه نسبت می دهند لذا به نام وی فیروز و به علت نزدیکی به کوهستان فیروزکوه لقب داده اند.
- ۲- می گویند محل جنگ و نبرد ایران و توران بوده که چون پیروزی به ایرانیان رسیده است به شادمانی این پیروزی شهری احداث کرده اند که پیروز نامیده شد و بخاطر اینکه کوهها دورادور آنرا احاطه کرده بودند به پیروزکوه و سپس بصورت معرب فیروزکوه شده است.

قائم شهر

نام استان:	مازندران	نام قدیم:	علی آباد - شاهی
طول جغرافیایی:	۵۲ درجه و ۵۱ دقیقه	عرض جغرافیایی:	۳۶ درجه و ۲۸ دقیقه
ارتفاع از سطح دریا:	۴۰ متر	فاصله تا نزدیکترین نقطه:	ساری ۲۰ کیلومتر
وسعت:	۶۶۶ کیلومتر مربع		
وجه تسمیه:			

۱ - نام این منطقه علی آباد بوده که به مرور بر اثر گسترش شهر در زمان رضاخان به شاهی تغییر نام داده است.

۲ - پس از پیروزی انقلاب به قائم شهر که لقب آخرین امام غایب شیعیان است خوانده می شود.

قائن

نام استان:	خراسان	وسعت:	۱۷۷۲۳ کیلومتر مربع
طول جغرافیایی:	۵۹ درجه و ۱۲ دقیقه	عرض جغرافیایی:	۳۳ درجه و ۴۳ دقیقه
ارتفاع از سطح دریا:	۱۴۴۰ متر	فاصله تا نزدیکترین نقطه:	مشهد ۳۸۷ کیلومتر
وجه تسمیه:			

۱ - در اصل گاونین بوده که مخفف گاو آئین می باشد و دلالت بر کشاورز بودن مردمان آن نقطه دارد.

قروه

نام استان:	کردستان	وسعت:	۴۱۸۷ کیلومتر مربع
طول جغرافیایی:	۴۷ درجه و ۴۸ دقیقه	عرض جغرافیایی:	۳۵ درجه و ۱۰ دقیقه
ارتفاع از سطح دریا:	۱۷۹۰ متر	فاصله تا نزدیکترین نقطه:	سنندج ۸۷ کیلومتر
وجه تسمیه:			

۱ - نام اصلی آن قصلان بوده که به مرور زمان به قروه تغییر یافته است این شهر بدست امان الله خان اردلان

ساخته شده است.

قزوین

نام استان:	تهران	وسعت:	۱۰۹۰۳ کیلومتر مربع
طول جغرافیایی:	۵۰ درجه	عرض جغرافیایی:	۳۶ درجه و ۱۶ دقیقه
ارتفاع از سطح دریا:	۱۲۹۰ متر	فاصله تانزدیکترین نقطه:	تهران ۱۲۵ کیلومتر

وجه تسمیه:

- ۱- می‌گویند زمان کسری انوشیروان پادشاه ساسانی هنگام نبرد در این دشت خللی در سپاه کسری ایجاد شد و کسری به زیر دست خود گفت «این کش‌وین» یعنی بدان کنج بنگر و بر اثر این دستور و عمل زیردستان سپاه دشمن شکست خورده و به پاس این پیروزی شهری احداث گردید که کش‌وین نام گرفت.
- ۲- نام کش‌وین یا قزوین بر این ناحیه قرار داده شد و چون در اینجا شهری ایجاد گردید آن را کش‌وین که بمعنای مرز محفوظ است خواندند اعراب پس از معرب کردن آنها قزوین گفتند.
- ۳- نام قزوین را ظاهراً از اسم قوم کاسی گرفته‌اند نام منطقه را کاسپین یعنی محل قوم کاسی گفته‌اند که سپس معرب شده و قزوین نام گرفته است.
- ۴- جهت جلوگیری از حملات اقوام ساکن کوهستان بدستور شاهپور ذوالکثاف دو دژ احداث شده است که دژ بالا و پائین نام داشته و دژ پائین به مرور به دژ پین و دژ پین و گزوین و سپس کشوین و پس از استیلای اعراب به قزوین تغییر یافته است.
- ۵- قزوین معرب کدوین به معنی جا و مکان انگور است و بعلت دارا بودن تاکستانهای آن ذکر شده است.
- ۶- قزوین را معرب کش‌وین به معنی مرز محفوظ ذکر کرده‌اند و علت را وجود پایگاه نظامی معروف مادها در این منطقه دانسته‌اند.

قصران

نام استان:	تهران	فاصله تانزدیکترین نقطه:	منطقه شمالی و کوهستانی شهر ری باستان
------------	-------	-------------------------	--------------------------------------

وجه تسمیه:

- ۱- قصران جمع قصر است و بعلت کاخها و قصرها ساخته شده فراوان توسط حکام در منطقه به آن معروف شده است.
- ۲- قصران به معنی کوهستان است و نام اصلی آن کوه‌سران بوده که معرب آن قصران شده است.

قصر شیرین

نام استان: کرمانشاه
 وسعت: ۱۹۱۷ کیلومتر مربع
 طول جغرافیایی: ۴۵ درجه و ۳۵ دقیقه
 عرض جغرافیایی: ۳۴ درجه و ۳۱ دقیقه
 ارتفاع از سطح دریا: ۳۶۰ متر
 فاصله تا نزدیکترین نقطه: کرمانشاه ۱۹۰ کیلومتر
 وجه تسمیه:

۱- می‌گویند در زمان خسرو پرویز به امر وی قصر باشکوهی جهت شیرین با باغات و آب فراوان ساختند در اطراف این باغات رفته رفته شهری کوچک بوجود آمد لذا به علت وجود قصر خسرو پرویز جهت شیرین به نام قصر شیرین معروف شده است کاخ و قصر توسط اعراب ویران گشت.

قلهک

نام استان: تهران
 موقعیت: امروز در شهر تهران قرار دارد
 وجه تسمیه:
 ۱- در گذشته‌های دور این منطقه دارای قلعهٔ مهمی بوده و از آنجا که به قلعه کلاه گفته می‌شد به آن کلاهک و سپس قلاهک و بصورت مخفف قلهک گفته شده است.

قم

نام استان:	تهران	وسعت:	۱۰۹۳۰ کیلومتر مربع
طول جغرافیایی:	۵۰ درجه و ۵۳ دقیقه	عرض جغرافیایی:	۳۴ درجه و ۳۸ دقیقه
ارتفاع از سطح دریا:	۹۲۸ متر	فاصله تا نزدیکترین نقطه:	تهران ۱۴۵ کیلومتر

وجه تسمیه:

- ۱ - بنای قم را به قمسار بن سهراب نسبت می دهند لذا به آن منسوب به قمسار قم گفته اند.
- ۲ - چون قم در ابتدا جای جمع شدن آب بوده اعراب به آن قم یا قمقمه نام داده اند.
- ۳ - در اصل کومه بوده و عبارتی دیگر سرزمین قم قبل از آنکه بصورت شهر در آید محل کوچ گوسفندان و چوپانها محسوب می گردیده و کومه هایی نیز جهت خود درست می کردند این کومه ها کم کم زیاد شده و بصورت ده کوچکی درآمد و به تدریج در اثر مرور زمان و ازدیاد سکنه تبدیل به شهر گشت تا بعد از ظهور اسلام و استیلای عرب به کلمه قم مبدل گشت.
- ۴ - عده ای گویند چون ابلیس در این مکان به زانو درآمده و سر تسلیم فرود آورده رسول او را گفت «قم یا ملعون» یعنی برخیز ای ملعون و بدین علت قم را چنین نامیده اند.
- ۵ - در ابتدا نام کمیدان و یا کمندان بوده و چهار حرف آنرا بینداختند و بر دو حرف اختصار کردند و گفتند کم و بعد معرب کرده و قم خواندند.
- ۶ - قم در اصل کم بوده و سراسر این جلگه را بهمین نام می خواندند و چون اشعرین عرب بودند و شیوه ایشان تحریف و تصرف در صورت الفاظ بیگانه بود کاف را به قاف تبدیل کردند و قم گفتند.
- ۷ - چشمه کب در آن قرار داشت و رودخانه آنرا کب رود گفتند و محل را بمناسبت آن رودخانه کب می گفتند که بصورت تحریف آن به قم و قم رود معروف شد.
- ۸ - در زبان عربی به معنی محل جمع شدن آب است و چون آب رودخانه ها تیمره وانار و در آن جمع می شد و تولید گیاه و سبزه می شد به این نام خوانده شد.
- ۹ - روایت است که اهل آن شهر با قائم آل محمد جمع شوند و با او قائم و مستقیم باشند و او را از دل و جان و زبان مدد و نصرت رسانند لذا به آن قم می گویند.
- ۱۰ - چون عرب اشعریان به قم آمدند و در اطراف آن به خیمه هایی از موی بزول کردند هفت ده ساختند به نامهای ممجان - قزدان - مالون - جمر - سکن - جلینادان - کمیدان چون این هفت ده وسعت یافت و به یکدیگر نزدیک شد به آن کمیدان گفتند و پس از مدتی به اختصار کم و سپس معرب شده قم گفتند.

قمصر

نام استان: اصفهان
فاصله تانزدیکترین نقطه: کاشان ۲۵ کیلومتر
وجه تسمیه:

۱- در اصل قم سر بوده است یعنی محل و مکانی بالاتر از قم که به مرور زمان قمصر شده است و همچنان که کاشان را کاشان قم نامیده‌اند.

۲- در اصل کوه سر بوده است یعنی بالای کوه یا درون کوه یا محلی که اطراف و بالای آن کوه است به مرور زمان و با ورود اعراب این کلمه معرب شده و به قم سر و سپس قمصر تبدیل شده است.

قوچان

نام استان: اصفهان
نام قدیم: خوبوشان
طول جغرافیایی: ۵۸ درجه و ۳۰ دقیقه
عرض جغرافیایی: ۳۷ درجه و ۱۷ دقیقه
ارتفاع از سطح دریا: ۱۲۴۰ متر
فاصله تانزدیکترین نقطه: مشهد ۱۴۵ کیلومتر
وسعت: ۶۸۶۸ کیلومتر مربع
وجه تسمیه:

۱- بعلت فراوانی قوچ در منطقه به آن قوچان گفته‌اند.

۲- نام منطقه به کوشان معروف بوده است زیرا طایفه کوشانیان «اشکانیان» در این منطقه ساکن بوده‌اند. با ورود اعراب معرب شده و به خوشان و خوبوشان تغییر یافته است.

۳- در زمان ناصرالدین شاه قاجار طایفه زعفرانلو به این منطقه کوچ کرده‌اند لذا به آن کوچان و سپس قوچان گفتند.

۴- بعلت اینکه مردمی جدی و ساعی و تلاشگر و خوب دارد به آن کوشان و یا خوشان گفته‌اند.

۵- در سال ۱۳۱۳ قمری محمد ناصر خان شجاع‌الدوله رئیس طایفه زعفرانلو اراضی فعلی قوچان را بطور رایگان به مردم بخشید و اشخاص را برای ساختمان تشویق نمود چون بنای شهر فعلی قوچان در زمان ناصرالدین شاه قاجار و با کمک محمد ناصر خان زعفرانلو صورت گرفته است به این جهت قبلاً آنرا ناصری گفته‌اند.

۶- خوبوشان به شکل خوبوجان و خوچان درآمده است.

۷- بعلت اینکه اشک اول این منطقه را بنیان نهاده و یا پایتخت خود قرار داده به نام آساآک یا آشاآک معروف شده است.